

فصلنامه علمی رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: ۸۵۶۲۵ Article Cod: Y۲N۴A۸۷۰۴ ISSN-P: ۲۶۷۶-۶۴۴۲

بررسی بلا از منظر قرآن

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

ذاکر حاتم پور^۱

دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی از دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

رقیه یوسف دخت^۲

دانش آموخته کارشناسی ارشد تفسیر قرآن از دانشگاه شهید مدنی آذربایجان تبریز

افتخار قاسم زاده^۳

دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی از دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) و

معلم وظیفه آموزش و پرورش شهرستان خداآفرین

چکیده

قرآن، کتاب هدایت و برنامه زندگانی بشر است؛ پیاده کردن دستورات آن برای انسان‌ها رستگاری، رشد و تعالی به ارمغان می‌آورد. به همین دلیل در تعدادی از آیات الهی به بلا، آزمایش و نقش آن‌ها در زندگی و مسائل مرتبط به آن اشاره شده است که می‌توان با بررسی این آیات از جهت مفهوم آن، نشانه‌ها، ابزار، علل و عوامل پیروزی در آن به اهمیت و ضرورت آن پی برد و در راستای اصلاح خود و جامعه به کار گرفت که تأثیر بسزایی در ایجاد آرامش و شادی دارد و با پرداختن به این مسایل می‌توان در بهبود زندگانی و هدفمند ساختنش قدم برداشت. در همین راستا، در این پژوهش سعی شده است با روش کتابخانه‌ای و با شیوه

^۱ نویسنده مسئول zakerhatampour@gmail.com

^۲ ruqiyahyusufdukht@gmail.com

^۳ eftkhargasemzadeh@gmail.com

توصیفی - تحلیلی با اتکا به آیات قرآن کریم، روایات و احادیث به گردآوری اطلاعات و سپس به تحلیل بلا از منظر قرآن پرداخته شود.



مقدمه

برخی انسان‌ها از فلسفه آزمایش‌ها آگاهی ندارند. از نتایج مثبت امتحان و بلایا بی‌خبرند. به خطا گمان می‌کنند که دنیا برای خوش گذرانی و عشرت است و طبیعی نیست که در این جهان گرفتار سختی‌ها شوند، در حالی که بلا و آزمایش یک سنت الهی همسو با هدف خلقت انسان و برای رشد و تعالی و اصلاح اوست. گاهی بلایا و پیشامدها، پیامد گفتار و رفتار انسان‌هاست. بلایی که خود افراد در آن مقصر هستند، کفاره گناهان آن‌هاست، یعنی یک تصمیم و حرکت اشتباه باعث بلا می‌شود و ابتلا در واقع، نتیجه آن عمل و جبران همان تصمیم اشتباه است. در قرآن هم که برنامه‌ای برای هدایت زندگانی بشر است در بسیاری از آیات آن به نقش آن در زندگی سخن رفته است. این موضوع از نظر هدایت تشریحی و برخورد با مشکلات و شکوفا شدن استعداد درونی انسان‌ها دارای اهمیت است. بلایا در فرهنگ قرآنی به معنای آزمایش، امتحان، محنت به کار رفته است و در بسیاری از آیات قرآن کریم با واژگانی همچون تمحیص، مصیبت، امتحان، فتنه قریب المعناست. به یقین زندگی انسان با مصائب و ناکامی‌ها عجین بوده و در حقیقت دنیا گذرگاهی است که در لابه‌لای آن سختی‌ها موج می‌زند و انتظار زندگانی آرام و بدون درد و رنج آرزویی بیهوده است. این حدیث معروف امام علی (ع): الدنیا دار بالבלا محفوفه (دشتی، ۱۳۸۶: ۱۹۴) دنیا خانه‌ای است که با آزمایش‌ها، بلیه‌ها محاصره گردیده است، نمایانگر این موضوع است. باید دانست بلا و سختی‌ها برای تکامل بشر ضرورت دارند "لقد خلقنا الانسان فی کبد" (بلد، ۴) "همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم". آدمی باید مشقت‌ها را تحمل کند و زندگی راستین را لایق خود سازد. بلایا را با یک نگاه کلی نمی‌توان تحلیل کرد؛ برای همین ما در این پژوهش قصد بر آن داریم با توجه به فلسفه و انواع بلا که دارای آثار ارزشمندی است، از منظر آیات قرآن و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی به آن پردازیم.

بخش اول: کلیات

بلايا و تحليل آن‌ها از منظر قرآن از آن‌رو اهميت دارد که بدانيم قرآن کریم کتاب زندگي است و کلید سعادت راه شقاوت انسان‌ها در آن ترسیم شده است. از آنجاکه مسئله امتحان و آزمایش سنت دائمی و جاری خداوند در تمام زمان‌ها و مکان‌ها است. درباره آن محققین در قرآن و احادیث و کتب دیگر به پژوهش آن پرداخته‌اند. بررسی این سنت الهی و ترسیم آن در زندگي فردی و اجتماعی، روحی و جسمی و تأثیر شگفت آن در سعادت بشر از اهميت بسزایی برخوردار است. چون با گسترش تکنولوژی و پیشرفت علم همچنان آسایش و آرامش در زندگي انسان تأمین نشده است. اعتقاد به اینکه ابتلا جز سنت‌های الهی است و هیچ کدام از مشکلات و مسائلی که رخ می‌دهد اتفاقی نیست می‌تواند به انسان‌ها چنان قدرت روحی بخشد که مسائلی پیش آمده در زندگي را مدیریت کند و به دور از هرگونه تنش و اضطراب آرامش و توان روحی خویش را حفظ کنند. در سایه صبر برابر مشکلات است که پیوند انسان با معبود و خالق هستی تقویت می‌گردد. اهميت این پژوهش آن است که می‌تواند انسان را با آثار سازنده ابتلا در زندگي آشنا سازد. آثاری همچون: کفاره گناهان یا علو درجات، تذکر و پند گیری، تقویت ایمان و صبر. بلايا در زندگي انسان به جهت اختبار، امتحان و آزمایش او است. انسان همیشه در همه حال در بوته‌ی آزمایش به سر می‌برد که این آزمایش‌ها سبب تمایز و تفکیک مؤمنین از کفار و منافقینی می‌شود که با غفلت دچار استدراج شدند و در نتیجه منجر به رشد آنان می‌شود. برخی انسان‌ها از فلسفه بلايا و آزمایش‌ها آگاهی ندارند و گمان می‌کنند که دنیا برای عشرت است. درحالی‌که آزمایش یک سنت الهی همسو با هدف خلقت انسان و برای اصلاح اوست. از آنجاکه خداوند حکیم هیچ کاری را عبث انجام نمی‌دهد با قرار دادن بلايا در مسیر زندگانی بشر، حقایق و واقعیت‌هایی را بر او آشکار می‌سازد. بلايا برای مؤمنین وسیله‌ای است: تطهیر گناهان، وسیله‌ای برای توبه و بازگشت، تنبیه و تأدیب، شکر، خالص شدن و پالایش جان، خشوع در برابر خداوند، اتمام حجت در مصاحبه اعمال، رشد تعالی و شکوفایی استعدادها، کمال فردی و ارتقای درجه. با توجه به اینکه آیات در مورد موضوع

بحث به صورت پراکنده در سطح قرآن توزیع شده است: هدف از انجام این پژوهش شکل دادن یک شبکه معین و منظم از آن در ذهن مخاطب است تا از آثار مطلوب آن بهره گیرند.

بخش دوم: بیان مفاهیم

الف) بلا

از منظر لغوی: برخی لغت شناسان ابتلا را دارای دو اصل و برخی دیگر آن را دارای یک اصل گرفتند ابن فارس از جمله محققینی است که آن را دارای دو اصل زیر می‌داند:

۱. از ریشه "بلی" به معنای کهنگی و فرسودگی.

۲. از ریشه "بلو" به معنای امتحان و اختبار (ابن فارس، ۱۴۲۲، ج ۱: ۱۳۴).

"ابتلا الله" یعنی خدا او را امتحان کرد. خدای متعال به وسیله بلا یا، مصائب و گرفتاری‌ها انسان را مورد آزمایش قرار می‌دهد تا انسان را به راه خویش بشناساند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۸۴). واعظ زاده خراسانی، گرچه هر دو ماده را در یکجا و به دنبال هم آورده است ولی اصل در ماده بلی را "رئائه": لباس مندرس و پوشیده و یا اخلاق: پوشیدگی و کهنگی و اصل در ماده "بلو" را "بلا: تجربه و اختبار می‌داند. وی "ابتلیته را به معنای "اختبرته و "جربته و اسم آن را بلوی و بلیه دانسته است (۱۴۲۳، ج ۶: ۷۲۵). فراهیدی همچون ابن فارس معتقد است که بلا در خیر و شر است و هنگام امتحان، عبارت "بلی الانسان و ابتلا" به کار برده می‌شود. اصل معنای آن را امتحان و اختبار دانسته و تمامی استعمال‌های این کلمه را به همین معنا برمی‌گرداند (۱۴۱۰، ج ۸: ۳۴۰). راغب اصفهانی می‌نویسد "بلی الثوب، بلی و بلا" یعنی جامه کهنه شد و "بلوته" یعنی او را آزمودم. گویی از شدت امتحان او را خسته و فرسوده نمودم (۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۲). کلمه ابتلا مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال از ریشه بلا، این کلمه در قرآن کریم ۳۷ بار در ضمن ۳۴ آیه به کار رفته است (موسوی نسب، ۱۳۹۵: ۱۵). بلا به معنای آزمون، تجربه و کشف کردن به کار می‌رود: یقال بلاه و ابتلاء اذا اختبره و امتنه. بعضی در معنای لغوی گفتند: بلی به روزن علم کهنه شدن است. گویند "بلی الثوب بلی و بلا" یعنی لباس کهنه شد. به غم و

اندوه از آن سبب بلاء گویند که بدن را کهنه و فرسوده می‌کند (قرشی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۲۹) و گفته‌اند: ان الاصل الواحد فیها هو ایجاد التحول، ای التقلب و التحویل و هذا المعنی ینطبق بجمیع موردها و مصداق‌ها من دون لی تجوز او یتکلف فیها و اما الامتحان و الاختبار الابتلاء و تجربه... فکل هذه من معانی مجازیه و من لوازم الاصل و آثار به حسب الموارد (مصطفوی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۱۸). در معنای اصل واژه بلا اختلاف است: گروهی مثل ابن منظور و قاموس گویند معنای اصلی آن آزمایش و اختیار است و گروهی دیگر مثل مصطفوی و راغب گویند معنای اصلی آن دگرگونی و کهنه شدن است. اما معنای آزمایش و اختبار از لوازم معنای اصلی است. در اصطلاح قرآنی: مشتقات بلا در اصطلاح قرآنی ۳۷ بار در ذیل ۳۴ آیه به کار رفته است.

بلا در قرآن به سه معنا آمده است. (تفلیسی، ۱۳۷۱: ۴۹).

۱. آزمایش: ان هذا الهو البلاء المبین (صافات/۱۰۶) به یقین این همان آزمایش روشن بود.
۲. نعمت: و فی ذالکم بلاء من ربکم عظیم (بقره/۴۹) و در این سختی‌ها و مشکلات آزمایشی بزرگ از سوی پروردگارتان بود.
۳. محنت: و بلوناهم بالحسنات و السيئات (اعراف/۱۶۸) و آنان را با خوشی‌ها و سختی‌ها آزمودیم. و نبلوکم بالشر و الخیر فتنه (انبیاء/۳۵) و ما شمارا (چنان‌که سزاوار است) به خیر و شر (که تهیدستی و ثروت، سلامت و بیماری، امنیت و یلاست) آزمایش می‌کنیم.

ب) فتنه

فتنه در اصل به معنای آزمایش است که در قرآن نزدیک به ۶۰ بار ذکر شده است. کلمه «فتنه» همان مفهوم امتحان و آزمایش را دارد، البته «فتنه» را از این جهت فتنه گویند که چیزی است که انسان را به خود مشغول می‌کند و امتحان بودنش به همین است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۷: ۱۸۲) و نیز گفته شده است «فتنه» در اصل به معنی قرار دادن طلا در کوره است. آزمایشی برای تصفیه از ناخالصی‌ها است. پس به هرگونه امتحان و آزمایشی که برای آزمودن میزان اخلاص انسان‌ها

انجام می‌گردد، اطلاق شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۲۱: ۱۶۷). الفتن: در اصل گداختن طلا در آتش است به قصد این که خالصی‌های آن از ناخالصی‌ها جدا گردد و در مورد داخل نمودن انسان در آتش نیز استعمال شده است (ذاریات، ۱۳-۱۴) یعنی عذابتان را بپوشید. گاه اسباب عذاب را فتنه نامیده‌اند (توبه/۴۹) و گاهی در مورد آزمودن به کار می‌رود (طه، ۴۰). واژه‌ی فتنه همانند بلاء فرض شده از باب اینکه هر دو انسان را در معرض سختی‌ها و با آسایش‌ها قرار می‌دهد است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۵۹۰). اصل فتن گذاشتن طلا در آتش است تا خوبی آن از ناخوبی‌اش آشکار شود و با امتحان و اختبار هم نظیرند (قرشی، ۱۴۱۱، ج ۵: ۱۴۷). الفتنه: جمع فتن، به معنای محنت، ابتلا و آزمایش است (مسعود، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۲۸۱). فتنه: به معنای آزمایش و ابتلا، مصیبت آمده است (سیاح، ۱۳۷۲، ج ۱: ۶۴۳). فتنه یعنی آشوب، درگیری و اختلاف است (بندرریگی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۲۸۹). همچنین به معنای مصیبت و محنت هم آمده است (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۴۹۶).

ج) امتحان

المحن و الامتحان: به معنای آزمودن، همانند ابتلا است و مشتقات این واژه در قرآن کریم دو مرتبه آمده است (قرشی، ج ۵: ۲۴۱): ۱- سوره ممتحنه آیه ۱۰. ۲- سوره حجرات آیه ۳ که با واژه «امتحن» و «فامتحوهن» استعمال شده است.

ذکر معانی:

۱. خالص نمودن. (حجرات/۳). آنان‌اند که خدا دل‌هایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده.
۲. آزمایش نمودن. (ممتحنه/۱۰). ای مؤمنان هنگامی که زنان با ایمان (با جدا شدن از همسرانشان) هجرت کنان (از دیار کفر) به سوی شما می‌آیند، آنان را (از جهت ایمان) بیازمایید. امتحن از ماده امتحان در اصل به معنی ذوب کردن طلا و گرفتن ناخالصی آن است، و گاه به معنی گستردن چرم نیز آمده، ولی بعداً در معنی آزمایش به کاررفته است؛ مانند آیه ۳ حجرات،

آزمایشی که نتیجه آن خلوص قلب و گستردگی آن برای پذیرش تقواست. (راغب اصفهانی: ۷۳۰).

(د) تمحیص

تمحیص از "محص" بر خالص کردن طلا با گداختن در آتش و پاکیزه کردن شی یا فرد از عیوب و گناهان اطلاق می‌شود. (ابن فارس، ج ۵: ۳۰۰) محص: خالص کردن، خلصه من کل عیب: خالص کردن شی است از هر عیب. این لفظ دو بار بیشتر در قرآن نیامده است (آل عمران، ۱۵۴، ۱۴۱) (قرشی، ج ۵: ۲۴۰). به نظر برخی اهل لغت، یکی از معانی آن آزمودنی است که با آن چیزی را از آلودگی پیراسته می‌کنند و از عیوب و زوائد خالص می‌سازند (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۹: ۳۵۹-۳۶۰). المحص: در اصل خالص کردن شی از هرگونه نقص و عیب است و در مورد ابزاری است که متصل و مخلوط با دیگری است گفته می‌شود: محصت الذهب و محصته، ناخالصی‌های طلا را برطرف کردم. تمحیص در آیه (آل عمران ۱۵۴، ۱۴۱) همانند تزکیه و تطهیر نمودن و الفاظی از این قبیل است. در دعا می‌خوانیم که اللهم محص عن ذنوبنا: خدایا گناهان ما را پاک کن / محص الثوب: پرزهای پارچه از بین رفت. محص الجبل محیص: طناب به گونه‌ای کهنه و پوسیده شد (راغب اصفهانی: ۷۲۹).

(ه) مصیبت

در اصطلاح قرآنی نزدیک به ۳۰ بار در آیه به کار رفته است. معنی مصیبت در لغت این چنین است. الصوب مانند الصیب است و می‌گوییم صابه المطر: باران به او اصابت کرد و صوبت الفرس: یعنی اسب را برای مسابقه دادن فرستادی و والصواب ضد الخطأ: درست متضاد خطا است و استصوبه و استصابه یعنی آن کار را درست دانست، وأصابته مصیبه یعنی کسی که دچار مصیبت شده، والصابه والمصیبه آنچه از بلا سختی‌ها به تو اصابت می‌کند. (ابن منظور، ج ۱: ۵۳۵). صوب: اصابت کردن. گفته می‌شود: صابه و اصابه. واژه‌های صوب در مورد بارش باران به اندازه‌ای که منفعت خوبی در پی داشته باشد وضع شده است (مؤمنون/۱۸). صیب: ابر حامل که بر وزن فعیل و از باب صاب یصوب است (بقره/۱۹). اصاب السهم: هنگامی که تیر به خوبی

به هدف بنشینند. مصیبه: در اصل به معنای تیر انداختن است ولی در مورد ناگواری‌ها و مصائب استعمال شده است (آل عمران/۱۶۵-نساء/۶۲- آل عمران/۶۶- شوری/۳۰). اصاب: در مورد کار خیر و شر به کار رفته است (توبه/۵۰- نساء/۷۳- نور/۴۳- روم/۴۸) و گفته شده است اصابه در مورد خیر به اعتبار معنای بارش باران و در مورد شر و بدی به اعتبار تیر خوردن می باشد که البته معنای هر دو به یک اصل بر می گردد (راغب اصفهانی: ۴۵۸). مصیبت: بلیه و گرفتاری که به انسان می رسد، گویی که انسان را قصد می کند (قرشی، ج ۳: ۱۵۸).

بخش دوم: شناخت نشانه‌های آزمایش

بلاء کفیری و مجازاتی: انسان بر نفس خویش بصیرت دارد و خودش به سادگی می تواند دریابد که وضعیت کنونی او بر اساس کدام یک از سنت‌های الهی است. خداوند در آیات ۱۴ و ۱۵ سوره قیامت می فرماید: ان الانسان علی نفسه بصیره و لو القی معاذیره: و هر چند (برای توجیه گناه) بهانه‌ها بترشد (پیش از پایان رفتن وحی به وسیله جبرئیل) زبانت را به حرکت در نیاور تا در خواندن آن شتاب روزی). به درستی که آدمی به خودش (رفتار و نیت درونی) آگاه است هر چند که عذر (و توجیه) فراهم آورد. به این معنا که او درک درستی از خود و موقعیت خود دارد و انسان‌ها هنگامی که دچار مصیبت می شوند، از نوعی ضیق صدر رنج می برند. جهان را بر خود تنگ می یابند و همه راه‌های فرار از مصیبت را بر خود بسته می بینند. احساس درونی به ایشان می گوید که این نتیجه طبیعی گناه و خطایی است که مرتکب شده است. راه فرار و گریزی از مشکل نمی یابد و در تنگنای مشکل دست و پا می زند. پس، از نشانه‌های مصیبت‌های کفیری و مجازاتی می توان به ضیق صدر، فقدان صبر و شکیبایی و کاهش شدید آستانه تحمل را در این گونه افراد اشاره کرد. خداوند در آیاتی از قرآن کریم هنگام تبیین وضعیت انسان‌های گرفتار کفیری می فرماید: که آنان همانند کسانی هستند که در تاریکی گرفتار آمدند و هر گاه که نور می جهد به جای روشن تر شدن آن، بیشتر در سرگردانی فرو می روند. (بقره ۱۷-۲۰، حج/۳۱). بنابراین، مصیبت‌ها ریشه در دستاوردهای انسان و رفتارهای او دارد (شوری ۳۰، روم/۱۴) عامل افزایش توانمندی و رشدیابی نیست، بلکه زمینه

بازگشت و توبه را فراهم می‌کند و هشدار می‌دهد که انسان راه خویش را تغییر داده و اصلاح کند و از فساد که گرفتار آن شده رهایی یابد.

بلاء آزمونی: مؤمنان در هنگام ورود به مصیبت‌های آزمونی، سست و ضعیف نمی‌شوند و استقامت و صبر و شکیبایی خود را از دست نمی‌دهند. (آل عمران، آیه ۱۶۴). مهم‌ترین شاخصه در مصیبت‌های آزمونی این است که خداوند به شخص مبتلا ظرفیت تحمل مصیبت را می‌بخشد و نوعی انشراح و سعه صدر در وی ایجاد می‌کند تا بتواند مصیبت را تحمل و آن را در خود هضم کرده و زمینه بهره‌مندی از مصیبت برای تعالی و تقرب فراهم آورد. از آنجایی که مهم‌ترین فلسفه و هدف آزمون‌های الهی، فراهم آوری زمینه تعالی (خدایی) شدن است، مصیبت‌های سخت، فرصت ظهور اسماء و صفات الهی خاصی را به شخص می‌بخشد تا بتواند خدایی شده و با بلا و مصیبت آزمونی، خود را به کمال بایسته و شایسته‌اش برساند.

بخش سوم: بررسی ابزارهای آزمایش

گرچه با استفاده از آیه ۱۶۵ انعام و ۷ کهف و ۱۵۵ بقره، ابزار آزمایش الهی عمومی است و منحصر به ابزار خاصی نیست، ولی از آنجا که ذکر آن برای آگاهی و تنبیه مردم است، به بعضی از ابزار آزمایش اشاره نموده است که عبارت‌اند از:

۱. تعداد مأموران دوزخ (مدثر/۳۱). "و ما گماشتگان آتش را جز فرشتگان قرار نداده‌ایم، و شماره آنان را جز آزمایشی برای کافران مقرر نکرده‌ایم. یعنی قرار ندادیم عدد آن‌ها (پاسبانان آتش) را مگر آزمایشی برای افرادی که کفر ورزیده و نافرمانی کردند و بدانند که تواناست بیفزاید در نیروی آنان بر عذاب و شکنجه مردم. (طبرسی، ۱۳۵۹، ج ۲۶: ۷۱).

۲. کشتن پسران و زنده نگاه داشتن دختران توسط فرعونیان (بقره/۴۹). پسران شما را سر می‌بریدند و زنان شما را زنده می‌گذاشتند: یعنی فرعونیان که فرزندانان را شکنجه داده و می‌کشتند و هم اعمال شاقه ای است که بدانان تکلیف می‌کردند در این‌ها آزمایشی بزرگی

برای شما بود که خدا به آنان توانایی و امکان چنین شکنجه‌ها را نسبت به شما داد و بعضی گفته‌اند یعنی اینکه خدا شما را از شر فرعون و یارانش نجات داد نعمت بزرگی بود (همان، ج ۱: ۱۶۷).

۴۳. اموال و فرزندان (تغابن/۱۵). اموال و فرزندان فقط وسیله آزمایش‌اند: فرزندان و اموالتان موجب می‌شوند که گرفتار جرمه و مشکلاتی شوید، بعضی گفته‌اند: هر گاه هجرت و جهاد برایتان ممکن شد علاقه به مال و اولاد شما را نفربید. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۶: ۳۴۰).

۵. ناقه صالح (قمر/۲۷). به صالح گفتیم: ما برای آزمایش آنان یقیناً آن ماده شتر را خواهیم فرستاد: یعنی ما ماده شتر را از کوهی که روی زمین گسترده است بر می‌انگیزیم و بیرون می‌آوریم همان طور که قوم صالح خواسته‌اند تا آزمون و امتحانی برایشان باشد. (همان، ج ۶: ۱۸۴).

۶. مجسمه گوساله (طه/۸۵). خدا گفت ای موسی ما به راستی قوم تو را پس از آمدن تو امتحان کردیم و سامری آنان را گمراه کرد: سامری برای آنان به عنوان جسد گوساله‌ای درآورد که صدا می‌کرد، بنی اسرائیل متوجه آن شده پرستیدند بعد هارون به قوم گفت: متوجه باشید که با آن آزمایش شدید، یعنی به وسیله این گوساله مورد آزمایش قرار گرفته‌اید (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۸۵).

۷. نعمت‌های مادی (طه/۳۱). پشتم را به او محکم کن: یعنی او را در وظیفه مقدس نبوت شریک من گردان تا به کمک من مشتاق‌تر باشد (طبرسی، ۱۳۵۹، ج ۱۶: ۲۲).

۸. فقر و نداری (انعام/۵۳). و ما این‌گونه توانگران را به مؤمنان تهدستی که در کنار تو هستند آزمودیم: یعنی در این آیه به ثروتمندان بی‌ایمان هشدار می‌دهد که این جریانات آزمایش‌هایی است برای آن‌ها، و اگر از کوره این آزمایش‌ها نادرست بیرون آیند، باید عواقب دردناک آن را تحمل کنند، می‌گوید: این چنین، بعضی از آنها را با بعضی دیگر آزمودیم. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۶۰۰).

۹. نعمت (زمر/۴۹). بلکه آن نعمت آزمایشی است ولی بیشتر آنان آگاهی ندارند: یعنی قرآن در پاسخ افراد خودبین و کم ظرفیت که چون به نعمتی رسند به زودی خود را گم می‌کنند چنین می‌گوید: «ولی این (نعمت) وسیله آزمایش (آنها) است ولی بیشترشان نمی‌دانند» (همان، ج ۴: ۲۳۶).

۱۰. درخت زقوم (صافات/۶۳). ما آن را برای ستمکاران مایه شکنجه و عذاب قرار داده‌ایم: در این آیه ابو جهل می‌گفت به کنیز و خدمتگزار خود بلفظ زَقْمِینَا یعنی برای ما زَقْمِ بیاور جاریه نیز برای او کره و خرما حاضر مینمود و به حاضرین می‌گفت این غذای لذیذ و گوارا را بخورید که محمد می‌گوید و می‌پندارد که زَقْمِ درخت است که در دوزخ روئیده میشود و مردم را بدان تهدید می‌نماید آیه نازل شد (إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ). (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۴: ۳۵).

۱۱. نهر آب (بقره/۴۹). و یاد کنید آنگاه که شما را از سیطره فرعونیان نجات دادیم: یعنی به انواع آزارها و شکنجه‌ها و یا اشاره به نعمت و رهائی آنان به وسیله موسی علیه السلام اشاره دارد که بدان آزمایش شدند (همان، ج ۱: ۱۵۷).

۱۲. زینت زمین (کهف/۷). مسلماً ما آنچه را روی زمین است، زینت زمین قرار دادیم: ما واژه زینت، مقام، ثروت و فرزندان را در برمی‌گیرد و نیز هر آنچه را که مردم برای آن یکدیگر را به هلاکت می‌رسانند و می‌کشند. این وسایل فریب‌دهنده، همان سنگ محکی است که ناپاک را از پاک جدا می‌کند. آزمایش مردم به وسیله زینت زمین، بدین معناست که از این طریق، نحوه عملکردها و کردارهایشان مشخص شود، کردارهایی که موجب پاداش و یا مجازات می‌شوند (مغنیه، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۶۹).

۱۳. ذبح فرزند (صافات/۱۰۶). به یقین این همان آزمایش روشن بود: این ذبح اسماعیل توسط ابراهیم امتحان و آزمایشی آشکار است این تصمیم جدی بر فدا کردن جان و خاندان به منظور فرمانبرداری از دستور خدا، محکی است برای مؤمن حقیقی است (همان، ج ۶: ۵۷۲).

۱۴. دستورات الهی (هود/۷). او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید درحالی‌که تخت فرمانروایش بر آب قرار داشت: یعنی آفریدگان را خدا آفرید و تدبیر امورشان را فرمود تا نیکوکاری نیکوکاران را آشکار سازد، یعنی رفتار او با شما مانند رفتار کسی است که شما را در بوته امتحان و آزمایش قرار داده است (طبرسی، ۱۳۵۹، ج ۱۲: ۱۳).

۱۵. شر و خیر (انبیاء/۳۵). و ما شما را به خیر و شر آزمایش می‌کنیم: یعنی ما شما رو به آنچه کراهت دارید از قبیل مرض، فقر، و امثال آن، و به آنچه دوست دارید از قبیل صحت و غنی و امثال آن می‌آزماییم (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۴۰۶).

۱۶. خلقت خدا (هود/۷). او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید...: یعنی خدا آفریدگان از جمله زمین و آسمان و... را آفرید تا در بوته آزمایش قرار دهد تا نیکوکاران را آشکار سازد (طبرسی، ج ۱۲: ۱۳).

۱۷. عهد و پیمان (نحل/۹۱-۹۲). و به پیمان خدا چون پیمان بستید، وفا کنید: یعنی خداوند شما را به وسیله امر به وفا می‌آزماید بدیهی است که این آزمایش برای تحصیل علم نیست بلکه مقصود این است که با شما معامله آزمایش‌کننده را می‌کند تا اگر از عهده آن برآمدید پاداش دهد (همان، ج ۱۴: ۴۲).

۱۸. تنگی روزی (فجر/۱۶). در این آزمایش رزق را به او تنگ گیرد: انسانی هرگاه امتحان شود به نعمت‌های الهی، به فقر و تهی‌دستی یعنی روزی او را کم کرد و او را در تنگنای زندگی قرارداد و سخت کرد (طباطبایی، ج ۲۷: ۷۵).

۱۹. گرسنگی، ترس، نقص اموال، انفس، ثمرات (بقره/۱۵۵) و بی‌تردید شما را به چیزی اندک از ترس، گرسنگی، کاهش از اموال و محصولات آزمایش می‌کنیم: یعنی خدا با این شرایط، ترس، گرسنگی که پیش خواهد آمد می‌خواهد امتحان و آزمایش کند و کسانی که پیروز می‌شوند می‌گویند انالله و انا الیه راجعون (همان، ج ۱: ۵۳۱).

بخش چهارم: بیان علل آزمایش الهی با توجه به آیات

گاهی امتحان و آزمایش برای شناختن است، به این معنی که شخص امتحان کننده وقتی می‌خواهد مجهولی را تبدیل به معلوم کند، آن را آزمایش می‌کند. گاهی آزمایش برای اتمام حجت است؛ یعنی برای این است که به خود امتحان شونده امری را ثابت کند. گاهی امتحان برای تمرین امتحان شونده است؛ یعنی خداوند متعال - که البته در مورد غیر خداوند متعال هم صدق می‌کند - انسان را مورد آزمایش قرار می‌دهد برای این که در طی آن آزمایش استعدادهای درونی او به فعلیت برسد. از نگاه آیات کریمه، علل متعددی بر آزمایش الهی وجود دارد که عبارت‌اند از:

بند اول: ظهور حقیقی شخصیت افراد

مهم‌ترین فلسفه و حکمت ابتلا (آزمایش) از دیدگاه قرآن کریم، شناسایی چهره واقعی افراد به معنای ظهور صلاحیت‌ها و استعداد‌های آنان و طهارت و خبثت نفس انسان است؛ چراکه برجستگی‌ها و کرامت‌های روحی انسان در شرایط دستور ابتلا خود را نشان می‌دهد. قرآن کریم در آیات متعددی بر این حقیقت تصریح نموده است که ذیلاً به چند مورد آن اشاره می‌شود. (وَكُنُوزِكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُوْا أَخْبَارَكُمْ) (محمد/۳۱) مسلماً ما شما را امتحان می‌کنیم تا مجاهدان از شما و صابران را مشخص نماییم و اخبار شما را نیز می‌آزماییم. جمله «حتیٰ نعلم المجاهدین منکم» به این معنا نیست که خداوند از این گروه آگاهی ندارد، بلکه منظور تحقق معلوم الهی است و مشخص شدن این گونه افراد است؛ یعنی تا این علم الهی تحقق خارجی یابد و عینیت حاصل کند و صفوف مشخص شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۲۱: ۴۸۲). یعنی شکوف شدن استعدادها نهفته انسان از علل مصائب است. (فی تقلب الاحوال علم جواهر الرجال) در دگرگونی احوال گوهر مردان معلوم می‌شود (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۸: ۲۳). و یا در (انعام/۱۶۵). تا شما را در آنچه به شما عطا کرده بیازماید. ذکر درجات در این آیه برای این است که خدا بفهماند مردم از نظر عمل در آزمایش‌ها در یک درجه نیستند (طباطبایی، ج ۷: ۵۴۷).

بند دوم: معیار ثواب و پاداش

علی (ع) می‌فرماید: گرچه خداوند به روحیات بندگانش از خودشان آگاه‌تر است، ولی آن‌ها را امتحان می‌کند تا کارهای خوب و بد که معیار پاداش و کیفر است از آن‌ها ظاهر گردد. (نهج‌البلاغه، قصار/۹۳) یعنی صفات درونی انسان به‌تنهایی نمی‌تواند معیاری برای ثواب و عقاب گردد، مگر آن زمانی که در لابه‌لای اعمال انسان خودنمایی کند، خداوند بندگان را می‌آزماید تا آنچه در درون دارند در عمل آشکار کنند، استعدادها را از قوه به فعل برسانند و مستحق پاداش و کیفر او گردند. اگر آزمایش الهی نبود، این استعدادها شکوفا نمی‌شد و درخت وجود انسان میوه‌های اعمال بر شاخسارش نمایان نمی‌گشت و این است فلسفه آزمایش الهی در منطق اسلام. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۵۲۸). ممکن است انسان دچار لغزش‌هایی شده باشد که پیامدهای تلخی به دنبال آورد اگر بتوان در این دنیا آن‌ها را تسویه کرد موقعیت ممتازی است. (پسندیده، ۱۳۸۶: ۲۹۳) (کهف/۷). "مسلماً ما آنچه را روی زمین است، زینت زمین قرار دادیم تا آنان را آزمایش کنیم". زینت در این آیه به معنای هر امر زیبایی است که خداوند درزمینه قرار داده است تا در دل بشر محبوبیت ایجاد کنند و هر موقع که سرآمد وقتشان باشد مورد آزمایش قرار می‌گیرند و همچنین خداوند همه زیبایی‌های زمین را نابود می‌کند تا سعادتمندان از دیگران متمایز شوند. (طباطبایی، ج ۱۳: ۳۳۲).

بند سوم: بلا و ترفیع درجه

امام صادق (ع) می‌فرماید: (ممکن است) برای بنده‌ای در نزد خدا درجه و رتبه‌ای باشد که از طریق عملش به آن درجه نمی‌رسد، پس خداوند ارابه مصیبتی در بدن یا مال و فرزندان مبتلا می‌سازد تا اگر صبر و تحمل نماید خدا او راه آن درجه برساند (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۶۸: ۹۴). گاهی خداوند برای اینکه درجه کسی را بالا ببرد، او را مبتلا می‌سازد اینجاست که راز ابتلای انبیا و اولیای الهی مشخص می‌شود. بلاها برای آن‌ها که از مقام عصمت برخوردارند، پاک‌کننده نیست بلکه ترفیع دهنده است. از امام باقر می‌خوانیم: خداوند از بنده مومنش تفقد می‌کند و برای او بلاها را اهدا می‌نماید، همان‌طور که مرد در سفر برای خانواده خودش

هدیه‌ای می‌فرستد. و امام صادق می‌فرماید: خداوند زمانی که بنده‌ای را دوست بدارد او را در دریای شداید غوطه‌ور می‌سازد (ری‌شهری، ۱۳۸۴: ۸۵). علامه محمدجواد مغنیه درباره مبتلا شدن به بلا می‌گویند: محکی است که حقیقت انسان را آشکار می‌سازد برای نمونه انسان باایمان و باخرد در هنگام مصیبت، از دین خود خارج نمی‌شود بلکه صبر می‌کند و گرفتاری، عقل و ایمان او را از بین نمی‌برد (۱۳۸۳، ج ۱: ۴۳۹). (بقره/۱۵۵). "و بی‌تردید شما را به چیزی اندک از ترس، گرسنگی، کاهش از اموال و محصولات آزمایش می‌کنیم." از سیاق آیه مشخص می‌شود که این آیه قبل از نازل شدن دستور جهاد و تشریح آن نازل شده چون در این آیه از بلائی پیشگویی شده که مسلمانان با آن روبرو می‌شوند و منظور از بلاء هر بلاء عمومی و با و قحطی نیست بلکه بلائی است عام که خود مسلمانان خود را بدان نزدیک کردند به جرم پیروی از دین توحید و اجابت دعوت حق (طباطبایی، ج ۱: ۵۱۶).

بند چهارم: برگشت به سوی حق

خداوند کریم رحمت را بر خودش واجب نموده است، فرمود: (انعام ۵۴) (و هر کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند به نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما). یعنی در این آیه خدا دستور می‌دهد: ۱: که پیامبر بر آن‌ها سلام کند، بنابراین منظور تحیت آن‌هاست. ۲. دستور می‌دهد که پیامبر بر آن‌ها سلام کند و بدین وسیله آن‌ها را گرامی بدارد. ۳. دستور می‌دهد که عذر آن‌ها را بپذیرد و آن‌ها را به سلامت از آنچه عذر آن خواسته‌اند بشارت دهد (طبرسی، ۱۳۵۹، ج ۸: ۱۰۸). و از طرفی هدف اصلی خلقت انسان، عبودیت انسان در برابر حق تعالی است (ذاریات/۵۶) (جن و انس را جز برای اینکه مرا پرستند نیافریدیم). به این معنی که هدف از آفرینش جن و انس آن است که آنان را در معرض پاداش نیک قرار دهیم و این به دست نمی‌آید مگر به وسیله انجام دادن عبادت‌ها (همان، ج ۲۳: ۳۳۱). بر خداوند است از باب قاعده لطف از هر نوع زمینه‌سازی برای برگشت بندگان به سوی خویش دریغ نفرماید. یکی از اسباب برگشت بشر به سوی خدا این است که خداوند انسان را در بوته گرفتاری‌ها قرار دهد تا انسان عقل و فکر خود را به کار اندازد و از علت سختی‌ها و بلاها عبرت بگیرد و مسیر خود را

به‌سوی خدا سوق دهد. قرآن به این حقیقت که برگشت بشر به‌سوی حق از علل فلسفه آزمایش الهی است، اشاره نموده و می‌فرماید: (اعراف/۱۶۸) (آنان را با خوشی‌ها و سختی‌ها آزمودیم برای اینکه بازگردند). خداوند در این آیه خبر می‌دهد که این بلای الهی و این سخنان دردآور اهل کتاب و مشرکین درباره مؤمنین تکرار خواهد شد و مؤمنین با این سخنان روبه‌رو می‌شوند و بر مؤمنین است که در برابر آن بلای الهی و سخنان اهل کتاب صبر و تقوای پیشه کنند (طباطبایی، ج ۴: ۱۳۱).

بند پنجم: مشخص شدن عمل احسن

اعمال آدمی در فرهنگ قرآنی در یک تقسیم کلی دو نوع است: ۱. عمل صالح ۲. عمل غیر صالح. عمل صالح هم به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱. عمل حسن ۲. عمل احسن. از فلسفه‌های آزمایش الهی این است که مشخص شود چه کسی عمل احسن انجام داده است. فرمود:

- (ملک/۲). تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید: یعنی تا شما را آزمایش کند از جهت اما تا اینکه معامله کند با شما، معامله کسی که سبب امر و نهی واجب و حرام آزمایش و امتحان کند پس پاداش دهد هر عاملی را به اندازه عملش (طبرسی، ۱۳۵۹، ج ۲۵: ۱۶۶).

- همچنین فرمود: (کهف/۷). تا آنان را آزمایش کنیم که کدامشان از جهت از جهت عمل نیکوترند: آنچه از زینت و زیبایی است در زمین قرار دادیم مانند مال و اموال و اولاد تا انسان‌ها بدان شیفته گردند ولی وقتی وقت اجلشان فرا رسید خدا آن زینت‌ها را از بین برد تا آزمایش کند که کدام یک از آن‌ها سعادتمندند (طباطبایی، ج ۱۳: ۳۳۲).

بخش پنجم: عوامل پیروزی در آزمایش

بدون شک در انجام خردکاری باید عوامل مختلفی دست به دست هم دهند تا فاعل کار با موفقیت کامل، کار را به اتمام برساند. به‌عنوان نمونه برای موفقیت در تحصیل دانشجو، عواملی از جمله محیط مناسب، استاد خوب، انگیزه دانشجو و ... باید وجود داشته باشد تا دانشجو بتواند با موفقیت دوره تحصیلی خود را به اتمام برساند، ولی اگر شرایط و عوامل مذکور مهیا

نباشد، توقع موفقیت و پیروزی خیالی بیش نیست. برای پیروزی در امتحان و آزمایش الهی از نگاه قرآن کریم عوامل متعددی دخیل است که عبارت‌اند از:

بند اول: صبر

از عوامل ریشه‌ای و اصیل در موفقیت هر کاری به‌خصوص پیروزی در آزمایش الهی، صبر و پایداری است که هم عقل صدق آن را تأیید می‌کند و هم شرع مقدس بر آن تأکید دارد و برای بهره‌گیری و کمک‌طلبی از این عامل مهم ارشاد نموده و فرموده است: (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ) (از صبر و نماز کمک بخواهید، بقره/۴۵). صبر یعنی خودداری از خواست‌ها و خویشتن‌داری از هوس‌هاست و صبر بر مصیبت هم بدین معناست که مصیبت‌زده خود را از بی‌تابی و فغان بازمی‌دارد (طبرسی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۱۵۶). این آیه از نیاز ضروری انسان به برخورداری از صبر در انجام هر کاری خبر می‌دهد. در خصوص نقش اساسی صبر در آزمایش الهی می‌توان به سه نمونه از آیات کریمه اشاره نمود.

- (وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ) آل‌عمران/۱۸۶. و اگر شکیبایی ورزید و پرهیزید، این اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است: در برابر بلای الهی و سخنان اهل کتاب و مشرکین که می‌خواهند شما را سست کنند صبر و تقوا پیشه کنید (طباطبایی، ج ۴: ۱۳۱).

- بقره/۱۵۵-۱۵۶: (و صبر کنندگان را بشارت‌ده). (همان کسانی که چون مصیبت به آنان رسد می‌گویند: انا لله وانا الیه راجعون، ما مملوک خدایم و یقیناً به سوی او بازمی‌گردیم). خداوند در این آیه صابران را نام برده تا اولاً بشارتشان بدهد ثانیاً راه صبر را و اینکه چه صبری، صبر جمیل است یادشان دهد. ثالثاً آن علت واقعی که صبر را بر آدمی واجب می‌سازد را بیان کند و آن این است که ما ملک خدایم. سپس وقتی مصیبت می‌آید صبر کنند و می‌دانند که بازگشتشان به سوی مالک حقیقی است (همان، ج ۱: ۵۳۱).

- فرقان ۲۰: آیا شکیبایی می‌ورزید پروردگارت همواره بیناست. یعنی پیش از تو پیامبری فرستادیم غذا می‌خورد در بازارها راه می‌رفت و ما بعضی از شمارا یعنی فقیر به غنی، بینا به نابینا، مؤمنان فقیر نسبت به قریشی‌ها وسیله آزمایش بعضی قراردادیم. (طبرسی، ج ۱۷: ۱۹۱).

بند دوم: تقوا

در پیروزی از آزمایش الهی وجود تقوا در امتحان شونده ضروری است. چه آن که اگر تقوا و خویشتنداری باشد، انسان در برابر آزمایش الهی خودش را حفظ می‌کند و شکست نمی‌خورد. فرمود: (لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ آوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ) (آل عمران/۱۸۶). (که ذکر آن در بالا گذشت) یقیناً در اموال و جان‌هایتان امتحان خواهید شد، و مسلماً از کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی به آنان داده شده و نیز از کسانی که شرک آوردند سخنان رنج‌آور بسیاری خواهید شنید و اگر شکیبایی ورزید و پرهیزید این اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است.

بند سوم: تسلیم (فرمان برداری)

تسلیم به معنای سلام کردن، سالم داشتن و چیزی به کسی دادن و اطاعت و انقیاد آمده است. شریعت مقدس اسلام، چنان‌که از اسمش پیداست، دین تسلیم و رضا در برابر خواست خدای متعال است. امام علی (ع) در تعریف اسلام می‌فرماید: الاسلام هو التسليم؛ «اسلام، تسلیم و گردن نهادن است. (نهج البلاغه، قصار/۱۲۵). در سوره صفات از آیه ۱۰۳-۱۰۶ نیز اشاره به فرمانبرداری از خداوند اشاره شده است که مربوط به تسلیم ابراهیم و اسماعیل است. چون آن دو تسلیم خواسته خدا شدند (صفات/۱۰۳): اسلام به معنای رضایت دادن و تسلیم شدن است (طباطبایی، ج ۱۷: ۲۳۱). (صفات/۱۰۴) امری که به تو کردیم برای امتحان و تعیین مقدار و میزان بندگی تو بوده که در امثال چنین امری همین که آماده شده‌ای آن را انجام دهی کافی است (همان، جلد ۱۷: ۲۳۱-۲۳۲). (صفات/۱۰۵) کلمه ذلک در آیه مربوطه اشاره به داستان قربانی کردن اسماعیل است که در آن آزمایش سخت و دشوار قرار داشت و مشار علیه به

کلمه هذا نیز همان داستان است که می‌خواهد شدت را تعلیل کن (همان: جلد ۱۷: ۲۳۲). (صافات/ ۱۰۶) ما نیکوکاران را امتحان به‌ظاهر دشوار پیش رویش قرار می‌دهیم تا وقتی به شایستگی از امتحان در بیاید بهترین جزا را در دنیا و آخرت به ایشان بدهیم (همان، جلد ۱۷: ۲۳۲).

بند چهارم: توجه به گذرا بودن سختی‌ها و مشکلات

عامل دیگری در پیروزی از امتحان الهی است که آیه: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (بقره/ ۱۵۶) یعنی خدا با این شرایط ترس، گرسنگی که پیش خواهد آمد می‌خواهد امتحان و آزمایش کند و کسانی که پیروز می‌شوند می‌گوی‌اند انالله و انا الیه راجعون است که ذکر آن گذشت. امام علی (ع) در تفسیر این جمله فرمود: «این که می‌گوییم (إِنَّا لِلَّهِ)، اعتراف به این حقیقت است که ما مملوک اویم و این که می‌گوییم (وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)، اقرار به این است که ما از این جهان خواهیم رفت و جایگاه ما جای دیگری است. (نهج‌البلاغه، قصار/ ۹۹).

بند پنجم: استمداد از نیروی ایمان و الطاف الهی

عامل مهم دیگری در پیروزی از آزمایش الهی است که از بعضی از آیات کریمه استفاده می‌شود. خداوند می‌فرماید: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ) (اعراف/ ۹۶) «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری پیشه می‌کردند یقیناً برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم». برکات در اینجا به معنای هر چیزی کثیری از قبیل امنیت و آسایش ... است لفتحناء برکات را به مجرای تشبیه کرده که نعمت‌های الهی از آن جریان می‌یابد و مسبب افتتاح ابواب ایمان و تقوا جمعیت است و آن عذاب نازل‌شده به‌عنوان مجازات است و در حقیقت اعمال خود مردم است که به آنان برمی‌گردد (طباطبایی، ج ۸: ۲۵۴). و روشن است که هر که در راه خدا مجاهده نماید و بر بلا و گرفتاری و آزمایش‌ها الهی صبر نماید و ایمان داشته باشد، خداوند او را به راه خودش هدایت می‌کند تا در انتخاب راه صحیح دچار اشتباه نشود. (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا) (عنکبوت/ ۶۹). کسانی که برای ما کوشیدند بی‌تردید آنان را به راه‌های خود راهنمایی

می‌کنیم). یعنی آنان که بکوشند در راه ما با کفار جهاد کنند و همچنین با هواهای نفسانی خویش مبارزه کنند البته هدایت می‌کنیم تا ثواب و پاداش عمل برسند (طبرسی، ج ۱۹: ۹۲).

بند ششم: توجه به عکس‌العمل پیامبران در برابر آزمایش‌های الهی

این نیز از عوامل موفقیت و پیروزی در آزمایش‌های الهی است. به تصریح قرآن، خداوند پیامبران را آزمایش نموده است و آن‌ها عکس‌العمل مثبت از امتحانات الهی داشته‌اند و در نتیجه به خاطر عکس‌العمل خوب از آزمایش‌های الهی، به مقامات بلندی رسیده‌اند. از جمله آن پیامبران، حضرت ابراهیم (ع) است که خداوند به خاطر موفقیت از آزمون‌های متعدد به او مقام امامت را عنایت فرموده است؛

۱. (وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا) (بقره/۱۲۴). و یاد کنید ابراهیم را پروردگارش به تکالیفی آزمایش کرد پس او همه را به‌طور کامل به انجام رسانید پروردگارش فرمود من تو رو برای همه مردم پیشوا قرار دادم. امامتی که خود به او بخشیده بعد از امتحان‌هایی بود که خدا از او گرفت و معلوم هست که این امتحانات همان انواع بلاهایی بود که در زندگی بدان مبتلا شده و در قرآن کریم به آن‌ها تصریح شده که روشن‌ترین آن‌ها سربریدن فرزندش اسماعیل هست (طباطبایی، ج ۱: ۴۰۵).

۲. انعام ۱۰. چرا پیامبری از جنس بشر برای ما قرار داده: حقیق در این آیه به معنای حلول و رسیدن است اما استهزاء کفار به پیغمبران عبارت بود از این که عذابی که آن حضرات مردم را از آن بیم می‌دادند و به نزول آن تهدید می‌کردند مسخره می‌نمودند و در نتیجه همان عذاب بر آنان نازل می‌شد (همان، ج ۳۲: ۷).

۳. انعام ۳۴. مسلماً پیش از تو رسولانی تکذیب شدند: رسول گرامی خود را به راهی که انبیاء گذشته پیموده‌اند هدایت می‌کند و آن راه عبارت است از صبر در برابر پروردگار همچنان که در جای دیگری می‌فرماید: اولئك الذين هدى الله فبهداهم اقتده (همان، ج ۷: ۸۹).

بند هفتم: توجه به حضور خدا

عامل دیگری در پیروزی از امتحانات الهی است. چه آن که این عقیده و بینش به انسان چنان قوتی می‌بخشد که بتواند به وسیله امتحانات الهی از مسیر صحیح منحرف نشود و تحمل سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر او آسان شود. بعضی از آیات به این راهکار تصریح دارد.

الف) خداوند به هنگامی که حضرت نوح (ع) تحت شدیدترین فشارها از سوی قومش مأمور به ساختن کشتی شد به او فرمود. (وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا) (هود/۳۷). و با نظارت ما کشتی را بساز. کلمه اعین به ما می‌فهماند که ما به نوح گفتیم کشتی را در تحت مراقبت ما و طبق هدایت عملی و راهنمایی ما بساز پس مراد از وحی در کلمه ووحینا هدایت عملی به وسیله تائید روح القدس است و نه مراقبت نفرمان لفظی (طباطبایی، ج ۱۰: ۳۳۶).

ب) خداوند برای دلداری پیامبر اسلام (ص) هم می‌فرماید: (طور/۴۸). و در برابر حکم پروردگارت شکیبایی کن که تو زیر نظر و مراقبت ما هستی و هنگامی که (از خواب) برمی‌خیزی پروردگارت را همراه با ستایش تسبیح گوی. مراد حکم درباره مکذبین است که ایشان را مهلت داد و بر دل‌هایشان مهر نهاد و حکم خدای تعالی درباره رسول خدا که مأمورش کرده مردم را به سوی حق دعوت کند، دعوتی که مستلزم تحمل اذیت‌ها و آزارهاست. فانك باعیننا: یعنی تو زیر نظر مایی اینکه دستور به صبر را با چنین بیان تعلیل کرده در حقیقت آن دستور را تأکید و آن خطاب را تشدید می‌کند (طباطبایی، ج ۱۹: ۳۶-۳۷).

نتیجه گیری

در مجموع می‌توان گفت یکی از بحث‌های کلیدی قرآن، امتحان و آزمایش است که در آیات الهی هم مترادفات و هم مشتقاتش ذکر شده است و همچنین عوامل، ابزار و نشانه آن در قرآن ذکر شده است که ما با آگاهی و هوشیاری کامل می‌توانیم خودمان را برای امتحان‌های خداوند آماده‌تر کنیم. این آزمایش‌ها برای زندگی ضروری است و بدون آزمایش بشر تکامل و رشد نمی‌یابد. از این رو بر اساس آیات الهی روشن می‌شود که آزمایش الهی همسو با سنت

خداست و در تطهیر گناهان و اشتباهات انسان‌ها نقش مهمی دارد و همچنین برای ترفیع جایگاهش در نزد خداوند. بدین ترتیب آزمودن انسان توسط خداوند رابطه تنگاتنگی با رحمت او دارد. بر اساس آیات الهی نقش انسان در نزول بلاء غیر قابل انکار است. این طور نیست که هر سختی کفاره گناه باشد بلکه باید به درد و مصیبت زندگی نگاه جامع داشته باشیم از این رو برخی از سختی‌ها و بلاها بازتاب و پیامد نادرست عملکرد خود انسان است. گاهی سختی‌ها جنبه تنبه و بیداری دارند. تا تربیت‌کننده فرد و هم بیدارکننده او باشد. سختی، بیدار سازنده و هوشیار کننده انسان‌های خفته و تحریک‌کننده عزم‌ها و اراده‌ها است و نکته آخر اینکه بعضی از گرفتاری‌ها لطف و عنایت الهی هستند و بعد از پیغمبران هر کس ایمانش زیادتر باشد بلا و مصیبتش نیز زیادتر است.



منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آذرنوش، آذرتاش. ۱۳۷۹، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد. ۱۴۲۲ ق، معجم مقاییس اللغه، ج ۱ و ۵، بیروت: دارا حياء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، ج ۱ و ۱۴، بیروت: دارالفکر.
- بندر ریگی، محمد. ۱۳۷۵، المنجد عربی-فارسی، چاپ اول، ج ۲، تهران: پیام.
- پسندیده، عباس. ۱۳۸۶، رضایت از زندگی، قم: دارالحديث.
- تفلیسی، ابوالفضل ابراهیم ابن حبیش. ۱۳۷۱، وجوه قرآن، به اهتمام مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی زبیدی واسطی، سید مرتضی. ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ ۱، ج ۹، بیروت: دارالفکر.
- حسینی همدانی نجفی، سید محمد. ۱۴۰۴ق، انوار درخشان در تفسیر قرآن، چاپ اول، ج ۱ و ۱۴، تحقیق: محمدباقر بهودی، تهران: انتشارات لطفی.
- دشتی، محمد. ۱۳۸۶، فرهنگ جامع سخنان حضرت فاطمه(س)، ج ۱، قم: انتشارات مشهور.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۸۷، مفردات الفاظ القرآن، مترجم: حسین خداپرست، تحت نظارت استاد عقیق بخشایشی، قم: انتشارات نوید اسلام.
- سیاح، احمد. ۱۳۷۲، فرهنگ دانشگاهی عربی به فارسی: المنجدی، ابجدی، چاپ اول، ج ۱، تهران: انتشارات اسلام.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۸، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۵۹، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجم: حسین نوری همدانی، چاپ ۱، تهران: فراهانی.
- مسعود، جبران. ۱۳۷۳، الرائد: فرهنگ الفبایی عربی-فارسی، مترجم: رضا انزابی، ویراستار: محمد فاضلی، چاپ اول، ج ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۶، ره توشه، قم: موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره).
- مصطفوی، حسن. ۱۴۰۴ق، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، جلد ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۷، آشنایی با قرآن، چاپ اول، ج ۷، تهران: انتشارات صدرا.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی